لئونارد نولنس شاعری از کشور بلژیک

مترجم:کامبیز تشیعی

روی علف دراز کشیده‏ام

در آفتاب خویشتن را به لحظه‏ای که متولد شدم‏ نزدیک می‏کنم. زیر درختچه‏ای آرامیده‏ام‏ و خواب،پیکرم را دربرگرفته است، محبت مادرانهء شاخه‏هایش‏ و سایهء تغذیه‏کنندهء پرچین آخرین کوره راهم را پوشانیده‏ است.

در پناهگاه سرنوشتم،بی‏حرکت،و بی‏دفاع می‏مانم. از صبحگاهانی که صدای نازک کودکان را با خود دارد از ترافیک سنگین،و از تاقوس‏های دوردست دورم. می‏گذارم تابستان آرام و ثمربخش در خونم جای شود. راهی نیست.علف برای همیشه مرا در برگرفت. از جایی که حرف می‏زنم حاشیه‏های مرگم را دارد.

بدون خودم

چه کاری می‏توانم برایت انجام دهم؟فقط کلمات دارم. با این آهنگ خانه‏مان را ساختیم، زندگی‏ام را بر باد دادم تا شاید ارزش مرگ را بدانم، و شاید بتوانم با او موافقت کنم که نباید مرد.

چه کاری می‏توانم برایت انجام دهم؟من می‏باید به تو وابسته باشم. تو در درون من هستی،بدون اینکه انتخابت کرده باشم، بدون اینکه خویشتن را هدیه‏ات کنم،برای اینکه من تو هستم. همیشه تو بودم،برای اینکه نمی‏خواستم خودم باشم.

همیشه مثل تو بودم،برای اینکه خودم نباشم. عشق من بی‏ارزش است،عزیزم!مرا ببخش. چه کاری می‏توانم برایت انجام دهم؟فقط کلمات هستم، می‏خواستم تو باشم،بدون خودم ما باشیم.